

علمی پژوهشی

## واکاوی کتاب به مثابه سرچشمه بصیرت اجتماعی و توسعه فرهنگی در آموزه‌های اسلامی

فاطمه محمدی\*<sup>۱</sup>، مهدی دولتی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت کتاب به عنوان محور فرهنگ و تمدن انکارناپذیر است. در آموزه‌های اسلامی، کتاب خوانی جایگاهی والا دارد و در منابع دینی بر مطالعه تأکید فراوان شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی کتاب به عنوان سرچشمه بصیرت در اسلام می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که نقش کتاب در پرورش بصیرت از منظر آموزه‌های اسلامی چیست؟ همچنین دو سؤال فرعی در این پژوهش مطرح می‌شود: (۱) راه‌های جذب افراد به کتاب خوانی چیست؟ (۲) راه‌های کسب بصیرت کدام است؟ بر همین اساس، فرضیه اصلی پژوهش چنین بیان می‌شود که کتاب، از منظر آموزه‌های اسلامی، با تقویت عقلانیت، تعمیق آگاهی و فراهم کردن زمینه هدایت، نقشی اساسی در پرورش بصیرت ایفا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد کتاب در قرآن کریم و سیره پیشوایان دینی، ابزار کمال، تفکر و هدایت شناخته می‌شود. خداوند در آیات ۴-۳ سوره علق بر این امر تأکید می‌فرماید: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (کتاب با تربیت روح و تقویت عقلانیت، زمینه دستیابی به بصیرت - به معنای بینش عمیق و یقین قلبی - را فراهم می‌سازد. مهم‌ترین عوامل کسب بصیرت از طریق کتاب شامل: تمسک به قرآن، پیروی از سنت پیامبر و ائمه، همنشینی با صاحبان بینش، عبرت از تاریخ و تقوای عملی است. این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب با زدودن موانع عقلانی و اخلاقی، امکان تشخیص حق از باطل را فراهم کرده و به عنوان کلید کشف حقایق و رسیدن به کمال انسانی عمل می‌کند.

تاریخ دریافت:

۲۹ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۰۶ دی ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

کتاب؛ قرآن؛ آگاهی؛ بصیرت؛ آموزه‌های اسلامی.

### مقدمه

کتاب‌ها رگ‌های حیاتی تمدن هستند؛ بدون آن‌ها، تاریخ، حافظه و تخیل به نیستی می‌گریند (مانگول<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶: ۱۵). کتابت با سرشت و وجود انسان پیوندی ناگسستنی دارد. پیش از اختراع رسمی، کتابت در جان انسان حک شده است و تصور زندگی بدون آن، توهمی بیش نیست. ارزش کتاب نیز مانند روشنی آفتاب، نیازی به اثبات ندارد؛ کتاب خود بهترین

<sup>۱</sup>استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حضرت نرجس(س)، دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

f.mohammadi@vru.ac.ir

<sup>۲</sup>استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.

دلیل بر اهمیتش است. کتاب دریچه‌ای به دنیای علم و معرفت است که با عادت به مطالعه، می‌توان به‌سادگی از آن بهره‌مند شد و آگاهی و درک خویش را گسترش داد، اما هرچه فقر فرهنگی و بی‌سوادی، به‌ویژه در میان زنان افزایش یابد، تمایل به کتاب‌خوانی در جامعه کاهش می‌یابد (عبدالحسین، ۱۳۷۵: ۲۱). نیاز به مطالعه، ریشه در عطش دانایی و پرسش‌گری انسان دارد. از آنجاکه عمر بشر برای تجربه‌ی تمامی امور کافی نیست، کتاب بهترین ابزار برای بهره‌گیری از تجربیات دیگران و گسترش علم و آگاهی است. مطالعه، ابزاری برای شناخت زیبایی‌ها و دوری از زشتی‌هاست که انسان را به سعادت و خوشبختی رهنمون می‌شود. بی‌شک، کتاب جدی‌ترین ابزار برای ارتقاء باورهای علمی، دینی، ادبی، هنری و اعتقادی نوجوانان و جوانان است. انس با جهان پررمز و راز کتاب می‌تواند اوقات فراغت را که اغلب به بیهودگی می‌گذرد، به شکلی سازنده و پربار پر کند. در این پژوهش تلاش می‌شود به شیوه‌ی تحلیلی توصیفی، نقش کتاب در رشد آگاهی و بصیرت مورد بررسی قرار بگیرد. از این‌رو سؤال اصلی پژوهش این است که نقش کتاب در پرورش بصیرت از منظر آموزه‌های اسلامی چیست؟ و سؤال‌های فرعی پژوهش به شرح زیر است ۱- راه‌های جذب افراد به کتاب‌خوانی و ۲- راه‌های کسب بصیرت کدامند؟ و فرضیه اصلی پژوهش این است؛ کتاب، از منظر آموزه‌های اسلامی، با تقویت عقلانیت، تعمیق آگاهی و فراهم کردن زمینه‌ی هدایت، نقشی اساسی در پرورش بصیرت ایفا می‌کند.

## ادبیات پژوهش

مرور پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که آثار متعددی در زمینه‌ی نقش کتاب، فرهنگ مطالعه و نیز مفهوم بصیرت دینی انجام شده است؛ اما هیچ‌یک به‌طور یکپارچه نقش کتاب را در پرورش بصیرت از منظر آموزه‌های اسلامی بررسی نکرده‌اند. در حوزه‌ی کتاب و مطالعه، جواهری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به نقش کتاب و کتاب‌خانه در جامعه‌ی امروزی پرداخته و کتاب را میراثی ماندگار و عامل مهم ارتقاء فرهنگ مطالعه دانسته است. سادات موسوی (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود به نقش کتاب و کتاب‌خانه در توسعه‌ی فرهنگ پرداخته و ضمن تعریف فرهنگ و صنایع فرهنگی، بر اهمیت کتاب‌خوانی در رشد فرهنگی تأکید کرده است. همچنین امینی (۱۳۸۴) در اثر کتاب خواندن مجموعه‌ای از آثار معنوی و تربیتی مطالعه و آیات و روایات مربوط به علم‌آموزی را گرد آورده و بر ضرورت مطالعه‌ی مستمر تأکید کرده است. در حوزه‌ی بصیرت دینی نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است. پاکیان و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بصیرت دینی در اندیشه‌ی مطهری» به بررسی

مواع، پیامدها و کارکردهای بصیرت از نگاه استاد مطهری پرداخته‌اند. پژوهش دیگری، هاشمی عمرانی (۱۳۸۸) مفهوم بصیرت را همراه با عوامل و مواع آن تحلیل کرده و بر نقش عقلانیت، تقوا و مراقبت از لغزش‌های فکری تأکید کرده است. محمد طاهری (۱۳۸۹) نیز در مقاله «بصیرت دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» نشان داده است که بصیرت همراه با تدبّر و تعمق، اساس رشد فرد و جامعه است و در بیانات رهبری الگوگیری از سیره امیرالمؤمنین (ع) محور اصلی بصیرت اجتماعی معرفی شده است. افزون بر این، شاکر (۱۳۸۷) در پژوهش «بصیرت دینی و راه‌های کسب آن» با تبیین مفهوم بصیرت، راه‌های دستیابی به آن مانند تقوا، تدبّر، عبرت‌گیری تاریخی و انس با قرآن را بیان کرده است. اگرچه این آثار هر یک بخشی از موضوع را روشن کرده‌اند، اما پژوهش‌های مربوط به کتاب‌خوانی عمدتاً رویکردی فرهنگی یا اجتماعی داشته و بصیرت را به‌عنوان برآیند معرفتی کتاب تحلیل نکرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های مربوط به بصیرت نیز بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی، سیاسی یا اجتماعی تمرکز داشته و نقش کتاب و کتاب‌خوانی در ایجاد و تقویت بصیرت دینی را تبیین نکرده‌اند. همچنین هیچ‌یک از پژوهش‌های بررسی‌شده، پیوند سه‌گانه «مطالعه»، «تقویت عقلانیت و آگاهی» و «بصیرت دینی» را براساس مبانی قرآنی و روایی به‌صورت نظام‌مند تحلیل نکرده‌اند؛ درحالی‌که در شرایط پیچیده امروز، نیاز به ارتقاء سطح آگاهی جامعه و گسترش فرهنگ مطالعه، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود (بیانات رهبری، سایت Khamenei.ir). بنابراین، شکاف پژوهش در این است که تاکنون پژوهشی جامع که به‌صورت هم‌زمان «نقش کتاب»، «فرآیندهای معرفتی و اخلاقی» و «تکوین بصیرت دینی» را در چارچوب آموزه‌های اسلامی تحلیل کند، انجام نشده است. پژوهش حاضر به‌منظور پرکردن همین خلأ، نقش کتاب را به‌عنوان ابزار معرفتی، تربیتی و اجتماعی مؤثر در پرورش بصیرت تبیین می‌کند.

اسلام، به‌عنوان مکتبی برخاسته از فطرت الهی، تنها دینی است که معجزه جاودانه‌اش کتاب است و اولین پیام وحیانی آن با امر به «خواندن» آغاز می‌گردد. این تأکید بر خواندن و اهمیت «قلم»، نشان‌دهنده شروع یک حرکت علمی بنیادین است. آیات ابتدایی سوره علق، پس از اشاره به خلقت انسان، مستقیماً به نقش قلم در تعلیم و تربیت اشاره می‌کند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۴-۱). مفسران این آیات را نه‌تنها خبری از تکامل جسمانی انسان از «علقه»، بلکه بشارتی از تکامل روحی از طریق تعلیم، به‌ویژه از راه قلم می‌دانند که خداوند با آن، قرائت و کتابت را آموخت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۸-۱۵۶).

اهمیت کتاب در قرآن کریم تا جایی است که سوگند الهی به آن، نشانه‌ای از عظمت و بنیادین بودن آن تلقی می‌شود. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند: *بِالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ* (قلم: ۱)؛ در حقیقت سوگند به فضل و رحمتی است که خداوند بر انسان ارزانی داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۶۹-۳۶۷). این سوگند نه تنها به ابزار نگارش، بلکه به نتیجه آن، یعنی «نوشته» اشاره دارد که ریشه تمدن‌های بشری، پیشرفت علوم و بیداری اندیشه‌هاست. دوران «تاریخ» بشر، از زمانی آغاز شد که انسان دست به قلم گردید و میراث «مایسترون» را به یادگار گذاشت (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۲۶-۲۴). این تأکید بر قلم و نگارش، به‌ویژه در محیطی که شمار باسوادان اندک بود، عمق نگاه اسلام به دانش و ثبت آن را آشکار می‌سازد؛ زیرا احکام دین و امور عالم، اگر صرفاً به‌صورت شفاهی منتقل شوند، با گذر زمان به فراموشی سپرده می‌شوند، اما قلم ضامن بقا و ثبات دانش است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۶۲-۱۶۰). از این رو، قرآن کریم خود را به‌عنوان «کتاب قیم» و نجات‌بخش بشر معرفی می‌کند که هیچ انحرافی از حق در آن نیست و گویی هستی و آفرینش، همراه با کتاب و قانون، دو بال برای تربیت انسان‌ها هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۰-۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۶-۳۴؛ کاشانی، ۱۳۷۳: ۴۷-۴۵).

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه کتاب‌خوانی و بصیرت، هیچ‌یک از مطالعات گذشته، پیوند سه‌گانه «مطالعه»، «فرآیندهای معرفتی و اخلاقی» و «تکوین بصیرت دینی» را در چارچوب آموزه‌های اسلامی به‌صورت نظام‌مند بررسی نکرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که کتاب را نه صرفاً یک ابزار فرهنگی، بلکه یک «منبع معرفتی-تربیتی مولد بصیرت» تحلیل می‌کند و سازوکارهای شکل‌گیری *basīrah* را براساس داده‌های قرآنی و روایی استخراج و تبیین می‌نماید. از این رو، این پژوهش با رویکردی نو، نقش کتاب را از منظر آموزه‌های اسلامی به‌عنوان یکی از سازوکارهای بنیادین پرورش بصیرت بررسی کرده و بدین‌وسیله خلأ موجود در ادبیات موضوع را پر می‌کند.

### کتاب و کتاب‌خوانی از منظر بزرگان دین

بزرگان دین اسلام نیز همواره بر اهمیت کتاب و ترویج آن تأکید داشته‌اند. پیامبر اسلام (ص) با فرموده «قَيِّدُوا أَلْعَلِمَ بِالْكِتَابَةِ» (علم را با نوشتن به بند کشید) بر نگارش و ثبت دانش صحه گذاشتند (مهدوی‌راد، ۱۳۸۸: ۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱؛ شریف رضی، ۱۴۲۲: ۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۴-۲۲). این رهنمودها، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ کتاب‌نویسی و تأسیس کتابخانه‌های عظیم در تمدن اسلامی شد؛ به‌گونه‌ای که دانشمندان و ائمه معصومین (ع) و شاگردانشان، میراث

علمی بزرگی را از خود به جا گذاشتند و کتابخانه‌ها را از ارکان اساسی تمدن و پیشرفت علمی می‌دانستند. نمونه بارز این اهتمام، صاحب بن عباد، وزیر و دانشمند قرن چهارم هجری است که کتابخانه‌ای بزرگ شامل صدویست هزار جلد کتاب داشت و همواره در پی کتاب‌های مفید بود (بهمنیار، ۱۳۴۴: ۴۲).

اسلام، هیچ حد و مرز قومی و نژادی برای علم نمی‌شناسد؛ بلکه دانش را موهبتی الهی می‌داند که باید از هر کجا کسب شود (عبدالحسین، ۱۳۷۵: ۴۲؛ اعوانی، ۱۳۷۲: ۱۲). امام علی (ع) آسایش و آرامش انسان را در پناه کتاب می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ تَسَلَى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةً» (هر آن کس که با کتاب‌ها آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نگردد) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲۷، ح ۸۱۲۶). امام صادق (ع) نیز به مفضل توصیه می‌کند که علم خود را بنویسد و به فرزندانش به ارث بگذارد؛ زیرا در دوران فتنه‌ها، «جز کتاب مونسى نخواهند داشت» (جعفی، ۱۳۸۵: ۲۹؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۵). این روایات به‌وضوح نشان‌دهنده نقش کتاب در حفظ و انتقال دانش و همچنین به‌عنوان پناهگاهی معنوی در بزنگاه‌های زندگی است.

عالمان بزرگی چون جاحظ نیز کتاب را «بهترین پس‌انداز و هم‌نشین» توصیف کرده‌اند که باعث «گشایش زبان» و «توانایی نوشتن» می‌شود (دال، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۳). رهبر معظم انقلاب نیز بر اهمیت کتاب‌خوانی به‌عنوان یک عادت زندگی تأکید کرده و همگان، از کودک تا کارمند، را به مطالعه مستمر فرامی‌خواند؛ چراکه «برای یک ملت، خسارت بزرگی است که افراد آن با کتاب سروکار نداشته باشند» (سایت رهبری، ۱۳۷۲). این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده جایگاه محوری کتاب و مطالعه در فرهنگ اسلامی و ایرانی است که از دیرباز، به‌عنوان راهی برای رشد و تکامل فردی و اجتماعی شناخته شده است (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۱). دانشمندی چون ابوعلی سینا نیز با تلاش بی‌وقفه در مطالعه و نگارش، الگویی از تعهد به دانش و کتاب‌خوانی را ارائه داده‌اند.

### عوامل جذب افراد به کتاب‌خوانی

خواندن کتاب، وظیفه اصلی انسان معاصر و لازمه «آموختن برای زیستن» و کسب آگاهی از جهان پیرامون است. برای ایجاد عادت مطالعه، باید نیاز به رشد و تعالی در افراد برانگیخته شود. در این میان، نقش خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگ‌ساز بسیار حیاتی است. والدین با مطالعه خود و فراهم آوردن امکان «خواندن با خانواده»، می‌توانند فرزندان را به

کتابخوانی ترغیب کنند. این امر، زمینه‌ساز افزایش بینش و دانش فرزندان و بهبود شیوه زندگی آنان می‌شود. همان‌طور که امام علی (ع) فرموده‌اند: «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزُكُّوْا عَلَيَّ الْإِنْفَاقِ، وَصَنِيْعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ» (شریف‌رضی، ۱۳۷۶: ۹۶، ح ۱۴۷)؛ علم نگهبان توست، اما تو باید نگهبان مال باشی. پیامبر (ص) نیز روزی را که دانش انسان در آن افزوده نشود، مبارک نمی‌دانند (حر عاملی، ۱۳۸۲: ۵۹). این آموزه‌ها برتری دانش بر مال و اهمیت تلاش مستمر برای کسب آن را به‌وضوح بیان می‌کنند. علاوه بر خانواده، زیرساخت‌های فرهنگی نیز در جذب افراد به مطالعه نقش دارند. کتابخانه‌های مجهز با امکاناتی نظیر بودجه کافی، نیروی کار متخصص، کتاب‌های به‌روز و تجهیزات رایانه‌ای، تأثیر بسزایی در گسترش فرهنگ کتابخوانی ایفا می‌کنند. شیوه صحیح مطالعه نیز عامل مهمی است؛ مطالعه باید با نشاط و تمرکز، انتخاب کتاب متناسب با سطح درک، بازگرددن مطالب، تفکر و اندیشیدن و خلاصه‌نویسی همراه باشد تا یادگیری تثبیت شود. این عوامل، همگی در پرورش جامعه‌ای با بصیرت و آگاه، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

### بصیرت و معنا و مفهوم آن

بصیرت در آموزه‌های اسلامی به منزله «دیدۀ باطن» شناخته می‌شود؛ چنانکه همان‌گونه که چشم ظاهر برای مشاهده موجودات ضروری است، درک حقیقت امور و پی‌بردن به باطن مسائل جز با دیدۀ قلب که از آن به بصیرت تعبیر می‌شود، میسر نیست. بصیرت در لغت به معنای دانایی، آگاهی، بینایی، هوشیاری و یقین آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل مدخل «بصیرت»، ج ۲: ۸۷۸) و هدیه‌ای الهی و راه رسیدن به کمال دانسته شده است (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۳۹). «بصیر» از صفات الهی است و بیش از چهل بار در قرآن به‌کار رفته و نشان‌گر علم خداوند به نیت‌ها و اعمال پنهان و آشکار انسان است. در روایات نیز چشم ظاهر «بصر» و چشم باطن «بصیرت» نامیده شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ما من عبد إلا و لقلبه عینان...» که بیان‌گر نقش دیدۀ باطن در هدایت انسان است (آملی، ۱۳۴۷: ۹۴). در نگاه اسلام، بصیرت محور ارزش انسان و بنیاد انتخاب‌ها و موضع‌گیری‌های اوست و بدون آن، مشاهده ظاهری امور سودی در هدایت ندارد. در تعالیم دینی، رشد انسان بر پایه تفکر و تعقل است و بصیرت او را به تدبّر و انتخاب مسیر یقینی و درست رهنمون می‌سازد. شهید مطهری نیز بصیرت دینی را از شاخص‌های اصلی مؤمنان دانسته و با استناد به آیه ۱۳ حشر، کفار را فاقد فهم و بینش معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۵). آموزه‌های اسلامی و بیانات رهبران دینی بر ضرورت بصیرت در

عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید دارند. رهبر انقلاب بصیرت را «قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع پیچیده امروز» می‌داند و هشدار می‌دهند که انسان بی‌بصیرت به‌آسانی به بیراهه می‌رود (سایت رهبری، ۱۳۸۹). تاریخ اسلام نیز پیامدهای فقدان بصیرت را نشان می‌دهد؛ چنانکه خوارج نهروان در برابر امام علی (ع) ایستادند و ابن‌ملجم آن حضرت را به شهادت رساند. همین‌گونه سپاه عمر سعد با شعارهای فریبنده در برابر امام حسین (ع) قرار گرفتند و فاجعه عاشورا را رقم زدند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۶۸-۵۶۶). امیرالمؤمنین (ع) نیز رأی و اندیشه افراد بی‌بصیرت را «فاسد» می‌داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۰۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۵، ح ۶۵۴۸). قرآن کریم دعوت پیامبر (ص) را مبتنی بر بصیرت معرفی می‌کند: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) و این آیه بیان‌گر روشنی و حکمت در دعوت ایشان است. همچنین پیامبر (ص) بصیرت را ویژگی حواریون حضرت عیسی (ع) می‌شمارد (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۶۸: ۲۴۸) و امام صادق (ع) حضرت عباس (ع) را «نافذالبصیره و صلب‌الایمان» توصیف می‌کند (امینی عاملی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۴۳۰). در نگاه عرفانی نیز نور الهی که بر قلب انسان بتابد، او را از حیرت نجات می‌دهد، چنانکه حافظ می‌گوید: «گر نور حق به دل و جانت اوفتد...»؛ و چنین انسانی می‌تواند روشنی‌بخش دیگران نیز باشد.

## راه‌های کسب بصیرت و ابزار آن

### عقل و دانایی

در متون و منابع دینی برای تفکر، ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است و در برخی روایات برترین عبادت معرفی گردیده و برخی روایات هم از شصت و حتی هفتادسال عبادت برتر شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۵۶). نظام دینی نظامی مبتنی بر بینایی و بصیرت و دعوت آن دعوت به بصیرت و حکمت و آگاهی است و هیچ‌چیز چون کوری و کوردلی آدمی را از حقیقت هستی دور نمی‌کند و اسیر بندگی غیر خدا نمی‌کند. دانایی یعنی تفکری فراتر از محسوسات جهان هستی داشته باشیم. امام علی (ع) می‌فرماید: «عقل شمشیری بران است و هوای نفس خویش را با شمشیر عقل بکش (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۹۸، ج ۴۵۶۷) و همه ارزش والای تفکر و خردورزی به این است که راه‌گشاست و مسیر درست و هدایت به رشد و کمال معنوی رسیدن را به انسان تفکرکننده نشان می‌دهد آن‌گونه که سردار بزرگی چون حر بن ریاحی نشان داده در پرتو اندیشه کوتاهی ره صدساله عارفان و سالکان حق و حقیقت را به یک‌باره پیمود. باید این

حقیقت را پذیرفت زمانی انسان فکر و اندیشه‌ای قوی خواهد داشت که دائماً مطالعه با تفکر داشته باشد و آگاهی خود را درباره مسائل مختلف افزایش بدهد. مقصود از آگاهی، علم و تحصیلات عالی نیست؛ چه بسا افرادی باسواد و تحصیلات عالی، ولی آگاه هستند؛ گاه عوام از آن‌ها با بصیرت‌ترند. بلکه مقصود بینش و بصیرت است و آگاهی، خردمداری و درک درست مسائل با تعقل و روحیه علمی-انتقادی است؛ بنابراین نقطه مقابل آگاهی بی‌سواد نیست، بلکه بی‌خردی است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۴).

### بهره‌گیری از کتاب قرآن

در رأس همه عوامل بصیرت و آگاهی انسان، هدایت‌های الهی است که از طریق وحی بر پیامبران به ما رسیده است. از ابزار مهم بصیرت قرآن است؛ لذا قرآن خود و کتب آسمانی را مایه بصیرت معرفی می‌کند: **كَقَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا** (انعام: ۱۰۴-۱۰۳). قرآن کریم سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بصیرت و بیداری است. چون کتاب نور و هدایت است و هر کس به آن دل بسپارد و در آن تدبر نماید، به یقین نورانی و بصیر گشته، راه هدایت و معنویت و تقوا را در پیش می‌گیرد. به همین علت است در آیه زیر، تدبر نکردن در قرآن موجب بسته شدن دل‌ها و دور ماندن از بصیرت، معرفت و هدایت اعلام می‌شود. **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْئَالُهَا** (محمد: ۲۴)؛ «آیا تدبر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است.» در تفسیر این آیه آمده است که چرا در قرآن فکر نمی‌کنند تا با آن عبرت بگیرند؟ قلوب اینان و دیگر کسانی که مانند آنان هستند قفل شده است در این آیه خداوند مردم را به تدبر و تفکر فرامی‌خواند و این معنی با نداشتن بینایی و خود را به نادانی زدن منافات دارد (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۲۶-۳۲۴). و به دلیل بصیرت‌بخشی قرآن کریم است که پیامبر (ص) در دعایی که به امام علی (ع) تعلیم می‌دهد. می‌فرماید: **«اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَكْتَابِكَ بَصْرِي، وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ فَرِّحْ بِهِ قَلْبِي، وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي، وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي، وَ قَوِّنِي عَلَى ذَلِكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ»** (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). بار خدایا، به وسیله کتابت دیده بصیرت مرا روشن ساز، سینه‌ام را فراخ کن، زبانم را گشوده و مرا در خدمت قرآن نیرومند گردان که یاری جز از تو نیست. در تاریخ اسلام نیز بسیار دیده شده که انسان‌ها با شنیدن آیه‌ای از قرآن و اندیشیدن در آن، به بصیرت رسیده و مسیر زندگی‌شان دگرگون شده است. فضیل بن عیاض همان راهزن مشهوری که با شنیدن آیه: **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ** (سوره حدید، ۱۶)؛ «از فردی ناشناس، بیدار شد و توبه کرد و از مؤمنان راستین گردید» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۸۹).

و نیز خداوند در قرآن می‌فرماید: 6 هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ 5 (جائیه: ۲۰)؛ «برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پروردگار است.» در واقع بصیرت دینی که با حفظ تقوای الهی حاصل می‌شود به آدمی درک می‌دهد تا حق را از باطل تمیز دهد. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: 6 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا 5 (انفال: ۲۹)؛ در تفسیر این آیه آمده است که با ترک گناه و انجام واجبات در دل‌های شما نوری قرار می‌دهد که به وسیله آن حق و باطل را از هم جدا کنید (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۵-۱۴). اهل بصیرت کسانی هستند که در امر دین و شناخت نسبت به خداوند و آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت به آگاهی و بصیرت کامل رسیده‌اند برای اقامه نافرمانی مواظبت می‌کنند و آن را وسیله‌ای برای نزدیکی هرچه بیشتر به خداوند متعال می‌دانند. احسانی، این افراد دارای بصیرتی ناب هستند تا بدین وسیله محبوب خدا قرار گیرند و چشم و گوش خدا قرار گیرند. این افراد در ایمان به کمال رسیده‌اند و خداوند برایشان علامت‌هایی قرار داده است که هم خود را بیابند، هم به دیگران راه را نشان دهند. اینان راهنمای ما در روی زمین هستند و زمین هرگز از وجودشان خالی نمی‌ماند.

پیروی از پیامبر (ص) و امامان (علیهم‌السلام)

پیامبران الهی، به‌ویژه پیامبر اسلام (ص)، الگوی کامل بصیرت‌اند و هرکس سیره و سنت آنان را در زندگی به کار گیرد، به بینایی و دانایی می‌رسد. این بزرگواران در گفتار و رفتار، سبک زندگی، معاشرت با مردم و خانواده و نحوه برخورد با دوست و دشمن، همگی اسوه‌اند. بر اساس این، شایسته است زندگی ما تا حد امکان به آنان نزدیک باشد و از مسیر هدایتشان فاصله نگیرد. پیامبر اسلام (ص) در تأیید ضرورت بصیرت و فهم عمیق در عرصه عمل و رفتار، انسان فاقد بصیرت را کور واقعی نامیده‌اند. «أَلَا وَ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَعْمَلَ فِي غَيْرِ عِلْمٍ، أَلَا وَ إِنَّ مَثَلَ الْعَامِلِ فِي غَيْرِ عِلْمٍ كَمَثَلِ السَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ، أَلَا وَ إِنَّ سَوْءَ الْعَمَلِ أَنْ يَعْمَلَ الْإِنْسَانُ بِغَيْرِ عِلْمٍ، أَلَا وَ إِنَّ سَيْرَهُ لَا تَزِيدُهُ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْدًا»؛ انسان بی‌درک موقعیت، همچون نابینایی است که ناچار باید به فرد آگاه تکیه کند تا از لغزش و پیامدهای خطرناک در امان بماند. بر همین اساس، رهبری بر ضرورت بصیرت تأکید می‌کنند؛ زیرا جامعه‌ای بصیر، به‌ویژه جوانان آن، آگاهانه حرکت می‌کند و در برابر دشمن، توانمند و کم‌آسیب می‌شود.

در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «کسی که هم به پیامبر اسلام ایمان داشته باشد هم به پیامبران پیشین و کتاب‌های آنان، دارای بصیرتی کامل در همه اوقات است، ولی اگر کسی به پیامبران گذشته ایمان دارد ولی به پیامبر اسلام ایمان نداشته باشد و برعکس، این شخص صاحب بصیرت کامل نمی‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۲۲۱). همچنین ما بسیاری از حقایق را نمی‌توانیم درک کنیم، ولی از امامان که دارای علم و عصمت کامل هستند، می‌توانیم حقایق را به کمک آن‌ها درک کنیم. در واقع اگر می‌خواهیم از تاریکی‌ها نجات پیدا کنیم و به بیداری دست یابیم باید به انوار پاک امامان تمسک بجوئیم. امام حسین (ع) آگاهانه قیام را انتخاب نمود تا تحولات فرهنگی زیادی که جامعه مسلمانان با آن درگیر شده بودند زیور و کند در شرایطی که خوب‌ها را بد، بد‌ها را خوب کرده بودند امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگ یعنی تجدید بنای نظام اسلامی و ایستادگی در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی را انجام دهد و این امر فقط با قیام امام حسین (ع) و نثار خون پاکش امکان‌پذیر بود.

در فرازی از زیارت اربعین می‌خوانیم: «این بنده تو خونس را نثار کرد تا مردم را از جهالت نجات دهد و از سرگردانی گمراهی برهاند» (طوسی، ۱۳۶۵: ۷۸۹). حضرت زینب (س) چگونه بعد از آن همه مصیبت می‌گوید من در کربلا جز زیبایی چیزی ندیدم. زیباترین تصاویر مربوط به صبوری‌هایی است که در پرتو بصیرت توسط خاندان و یاران امام حسین به وقوع پیوست واضح است که بصیرت با صبر ارتباطی تنگاتنگ دارد چگونه ممکن است کسی قدرت تشخیص حق از باطل را نداشته باشد؛ ولی بر این همه مصیبت صبوری کند (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۹۸).

### عبرت از گذشتگان و حوادث تاریخی

عبرت یعنی انسان از آنچه از تحولات و عواقب در جوامع بشری می‌بیند و از آنچه روزها و ماه‌ها بر او می‌گذرد تحت تأثیر قرار گیرد؛ البته با مطالعه و خواندن تاریخ این امر امکان‌پذیر است؛ یعنی اگر به رویدادهای تاریخی به چشم بصیرت بنگرد سبب بصیرت و بینایی او می‌گردد و مانع تکرار آن‌ها توسط انسان می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «دوام الاعتبار یؤدی الی الاستبصار و یثمر الازدجار» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۵۴؛ جوادی، ۱۳۹۷: ۲۳۳). عبرت گرفتن مداوم به بصیرت می‌انجامد و خویشنداری از گناه و خطا در پی می‌آورد. قرآن کریم در شش مورد با لفظ «سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَأَنْظُرُوا» امر به سیر و گردش در زمین می‌کند و در هفت مورد به «أَقْلَمُ یَسِیرُوا ... وَلِلْكَافِرِینَ وَ گناهکاران را که از احوال گذشتگان عبرت نگرفتند مورد سرزنش و توبیخ قرار می‌دهد. بنابراین یکی از عوامل کسب بصیرت سیر و گردش در زمین

و مطالعه احوال گذشتگان از خوب و بد است که عاقبت آن‌ها چه شد و کدام یک عزیزتر و سعادتمند بودند. امام علی (ع) در ضرورت درس گرفتن از عبرت و پندپذیری می‌فرماید: «فَاتَّعِظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ النَّوَافِعِ، وَأَعْتَبِرُوا بِالْأَيِّ السَّوَاطِعِ؛ ... ای بندگان خدا از آنچه عبرت‌آور و منفعت‌بخش است پند بگیرید و از آیات روشن در عبرت فرورویید» (شریف رضی، ۱۳۷۶: ۴۲، خ ۸۵). در حقیقت حضرت علی (ع) مردم را به دقت و تفکر در تاریخ وامی‌دارد که خود این امر موجب باز شدن چشم باطن و ایجاد دیدی واقعی و نگرشی صحیح به زندگی می‌شود.

#### اخلاص:

اخلاص، از عوامل کلیدی در بصیرت‌افزایی است که قدرت فهم و تشخیص انسان را می‌افزاید. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «عِنْدَ تَحَقُّقِ الْإِخْلَاصِ تَسْتَنِيرُ الْبَصَائِرُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۰۵، ح ۶۲۱۱) که نشان‌دهنده روشن شدن بصیرت با تحقق اخلاص است. امام باقر (ع) نیز تأکید می‌کنند که خلوص چهل‌روزه در ایمان، نه تنها انسان را زاهد و باتقوا می‌سازد، بلکه دنیا را با چشم بصیرت به او می‌نمایاند و قلب و زبانش را حکیمانه می‌گرداند؛ به این معنا که فرد به فهم و بصیرتی دست می‌یابد که تمامی اعمالش هدفمند و در مسیر سعادت قرار می‌گیرد. همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ» (نوری، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۵۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۴: ۸۲).

#### تقوا

اولین شرط در مسیر کمال انسان، داشتن معیار و ضابطه برای اعمال و کنترل هواهای نفسانی است. افراد باتقوا به سلاح ذکر مجهزند، چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف، ۲۰۱). تقوا به معنای انجام نیکی‌ها و دوری از منهیات الهی است و اصل آن، برداشتن موانع رشد و تکامل انسان است که تمییز خوبی‌ها و بدی‌ها و تشخیص حقیقت را آسان می‌سازد. برای تداوم روشنی بصیرت، تقوا سدی محکم در برابر طغیان هوس‌هاست، همانطور که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «تقوا دژی محکم و شکست‌ناپذیر است و با پرهیزکاری می‌توان ریشه‌های گناهان را برید» (شریف رضی، ۱۳۷۶: ۷۴، خ ۱۵۷).

#### نگاه ایزاری به دنیا

یکی دیگر از عوامل بصیرت‌افزایی، نگاه ابزاری به دنیاست. حضرت علی (ع) دنیا را غایت دیدگان کوردل معرفی می‌کند که فراتر از آن را نمی‌بینند، درحالی‌که انسان بصیر، دنیا را گذرگاهی به سرای جاوید آخرت می‌داند و از آن زاد و توشه برمی‌گیرد (شریف رضی، ۱۳۷۶: ۶۱، خ ۱۳۳). ایشان در جای دیگر تأکید می‌فرمایند: «وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۰، ح ۲۴۵۰)؛ یعنی نگاه هدفمندانه به دنیا باعث بینایی و شیفتگی به آن موجب کوری می‌شود. دنیا به مثابه خورشید است که باید از نور آن بهره گرفت، اما خیره‌شدن به آن، دیدگان را آزار می‌دهد و غفلت ناشی از ترجیح دنیا بر آخرت، حقایق اعمال را پنهان می‌سازد. از این‌رو، انسان آگاه باید مظاهر دنیا را ابزاری برای رشد و کمال معنوی و تقرب به خداوند قرار دهد.

### کنترل غذای انسان

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ۶فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (عبس: ۲۴)؛ این آیه علاوه بر حلال و حرام‌بودن غذای جسم، به لزوم دقت در تغذیه روح و فکر نیز اشاره دارد؛ یعنی انسان باید به منبع علم و دانش خود توجه کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۲۷-۳۲۵). امام حسن مجتبی (ع) در این باره فرموده‌اند: «تعجب می‌کنم از کسی که در غذای خود تعقل می‌کند که شکم خود را از آنچه آزارش می‌دهد در امان دارد اما قلب و دل خود را رها می‌کند تا هر چیزی وارد آن شود» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۷۴: ۸۲). کنترل ورودی‌های وجود انسان، اعم از شکم، چشم، گوش، مغز و فکر، و همچنین انتخاب همنشینان، نقش مهمی در تقویت بصیرت دارد. تمامی حواس و اعضای انسان می‌توانند دریافت‌کننده سیگنال‌های اثرگذار باشند. ورود اطلاعات آلوده از طریق زبان (دروغ، غیبت)، گوش (کلمات زشت، آهنگ‌های غفلت‌زا) و چشم (مناظر گناه‌آلود) باعث اختلال در تفکر و تصمیم‌گیری می‌شود. در مقابل، اجازه ورود اطلاعات مطابق با استانداردهای الهی و تغذیه‌های پاک، به بصیرتی منجر می‌شود که سعادت‌بخش است. از این‌رو، قرآن کریم می‌فرماید: ۶إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶).

### مصاحبت با علماء و نقش اهل قلم در بصیرت‌افزایی

همنشینی با نیکان از عوامل بصیرت‌زاست؛ زیرا همنشینی، انسان را به گروهی که با آن‌ها نشست‌وبرخاست دارد، شبیه می‌سازد. از این‌رو، تعالیم اسلامی بر همنشینی با خوبان تأکید کرده و از مصاحبت با بدان نهی می‌کند (مجلسی، ۱۳۸۶،

ج ۷۱: ۳۴۰-۳۳۸). در همین راستا، فرموده‌اند: «جَاوِرِ الْعُلَمَاءِ تَسْتَبِيرُ؛ با دانشمندان و آگاهان همسایه شو تا بینا شوی» (خوانساری، ۱۳۴۳، ج ۲: ۲۵۶: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۶۷، ح ۹۷۸۴). علاوه بر کتاب‌های مفید، دوستی با افراد دانا و عامل به علم، باعث رشد فزاینده فکر انسان می‌شود. امام صادق (ع) نیز مشورت با مردان عاقل و پرهیزگار را توصیه می‌کند؛ زیرا آنان به نیکی‌ها راهنمایی می‌کنند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵: ۲۳۴).

امام علی (ع) علمای ربانی را چنین توصیف می‌کند: «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۷)؛ یعنی علم به آنان هجوم آورده و در نتیجه بصیرت را یافته‌اند که نوری است هدایت‌گر در قلبشان. امروزه، وظیفه علمای صاحب‌نظران و اهل قلم در پاسخ‌گویی به شبهات، به‌ویژه برای بصیرت‌افزایی جوانان، بسیار سنگین و تأثیرگذار است. مصاحبت با علما و پندپذیری از آنان، گفت‌وگو با نخبگان دین و پاسخ‌های قاطع به شبهات و کتب الحادی، همواره راه‌گشا بوده است. رهبر معظم انقلاب نیز دفاع از ارزش‌ها در عرصه مکتوب و مطبوعات را بر دوش روحانیت می‌داند و می‌فرماید: «هر زمان، بیان و شیوه ارائه خاص خود را می‌طلبد. امروز شک و شبهات در مسائل دینی زیاد شده و ترویج دین در میان نسل جوان با ترویج دین در صدسال پیش، به‌کلی متفاوت است.» ایشان تأکید می‌کنند که کتاب‌های صد سال پیش برای جوانان امروز جذابیت ندارند و برای تقویت مسائل دینی، نیاز به فکر و ابتکار جدید و صلاحیت‌های لازم برای برخورد با شبهات است. به فرموده رهبر معظم انقلاب، نگارش و انتشار کتاب باید در چارچوب اصالت‌ها و ارزش‌ها باشد. ایشان با اشاره به پیشگامی حوزه‌های علمیه در گذشته، از سرعت عمل علمایی چون سید مرتضی و شیخ طوسی در پاسخ به شبهات و دفاع از ارزش‌های دینی یاد می‌کنند که با نوشتن کتاب و تصنیف، اجازه نمی‌دادند هیچ حرفی بی‌جواب بماند.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، بنیادی - نظری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها به روش مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری گردید و منابع شامل قرآن کریم، تفاسیر معتبر (مانند تفسیر نمونه و تفسیر نور)، متون روایی (از جمله اصول کافی، بحارالانوار و مستدرک‌الوسائل) و آثار اندیشمندان معاصر در حوزه معرفت و بصیرت دینی بود. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل موضوعی صورت گرفت؛ بدین ترتیب که مضامین کلیدی مرتبط با نقش کتاب در هدایت، معرفت، تعقل و پرورش بصیرت استخراج و در قالب محورهای اصلی دسته‌بندی شد. سپس یافته‌ها با دیدگاه‌های مطرح در

پژوهش‌های پیشین مقایسه گردید تا ابعاد نظری موضوع، تکمیل و تقویت شود. برای ارتقاء روایی و پایایی پژوهش، از اعتبار منابع اصیل و بازبینی تحلیلی متخصصان حوزه قرآن و حدیث استفاده شده است.

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد «کتاب» در آموزه‌های اسلامی فراتر از وسیله انتقال دانش است و به‌عنوان ابزار هدایت، تربیت و پرورش بصیرت معرفی می‌شود. آیات آغازین سوره علق با فرمان «اقرأ» و تعلیم «قلم»، کتاب را نخستین عامل رشد عقلانی و معنوی انسان می‌دانند. تحلیل محتوای متون قرآنی و روایی نشان داد کتاب با تقویت قوای فکری و فراهم‌سازی زمینه تدبیر، انسان را به بینش درست و یقین قلبی رهنمون می‌سازد؛ امری که در منابعی مانند اصول کافی و بحارالانوار به‌عنوان بنیان بصیرت معرفی شده است. بر اساس این، کتاب در سنت اسلامی نه‌تنها منبع دانش، بلکه عامل رشد قلبی و سپری در برابر لغزش‌ها و فتنه‌ها تلقی می‌شود.

همچنین بررسی آرای اندیشمندان معاصر همچون شهید مطهری و آیت‌الله مکارم شیرازی نشان می‌دهد میان کتاب‌خوانی، تعمیق آگاهی و توان تشخیص حق از باطل پیوندی مستقیم وجود دارد. تحلیل تاریخی منابع فرهنگی نیز بیان می‌کند که ضعف مطالعه، به‌ویژه در دوره‌هایی که جریان‌های غیرعلمی و سرگرم‌ساز غلبه یافته‌اند، موجب افت آگاهی عمومی و آسیب‌های اجتماعی شده است؛ موضوعی که ضرورت کتاب را در صیانت از هویت فرهنگی و بصیرت جمعی دوچندان می‌کند. افزون بر این، ادبیات علمی نشان می‌دهد تقویت زیرساخت‌های مطالعه، الگوسازی فرهنگی و آموزش مهارت‌های مطالعه در جذب افراد به کتاب‌خوانی مؤثر است. متون دینی نیز راه‌های کسب بصیرت را انس با قرآن، پیروی از سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع)، همنشینی با صاحبان بصیرت، عبرت از تاریخ و تقوای عملی معرفی می‌کنند؛ اموری که همگی با محوریت کتاب معنا می‌یابند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد کتاب در آموزه‌های اسلامی کانون هدایت و بصیرت‌بخشی است و نقشی بنیادین در رشد فرد و جامعه و تشخیص حق از باطل دارد.

## بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به صراحت نتیجه می‌گیرد که کتاب، ابزار اصلی و ضروری برای دستیابی به بصیرت مورد نظر اسلام است. کاهش مطالعه عمیق و جایگزینی آن با مصرف سطحی اطلاعات دیجیتال، مستقیماً منجر به تضعیف لایه‌های سه‌گانه بصیرت (علمی، ایمانی و عملی) شده است. جایی که ساختار منسجم کتاب به فرد توانایی دیدن ریشه‌ها و نتایج را می‌دهد، اطلاعات پراکنده فقط سطح ظاهری مسائل را نمایان می‌سازد و زمینه‌ساز ضعف در تشخیص مسائل پیچیده دینی و اجتماعی می‌شود. بررسی و تحلیل محتوای منابع قرآنی، روایی و آثار اندیشمندان اسلامی نشان می‌دهد که «کتاب» در آموزه‌های دینی جایگاهی بنیادین در هدایت انسان و شکل‌دهی به بصیرت او دارد. یافته‌های پژوهش تأکید می‌کنند که کتاب در فرهنگ اسلامی صرفاً ابزار انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای تقویت عقلانیت، پرورش روح، تعمیق معرفت و دستیابی به قدرت تشخیص حق از باطل است. آیات آغازین سوره علق با فرمان «اقْرَأْ» و تعلیم به «قلم»، جایگاه کتاب را در نظام هدایت الهی برجسته کرده و آن را نخستین گام رشد انسان می‌دانند. روایات نیز بصیرت را نتیجه نور الهی و آگاهی عمیق قلبی می‌شمارند و این نور از طریق ارتباط مداوم با کتاب هدایت، یعنی قرآن و متون معتبر دینی، در جان انسان رسوخ می‌کند.

مطالعات موجود در پیشینه پژوهش - از جمله آثار مطهری، هاشمی عمرانی، شاکر و پژوهش‌های مربوط به بصیرت در اندیشه رهبری - همگی بر نقش محوری آگاهی، تعقل، تدبیر و مطالعه هدفمند در شکل‌گیری بصیرت تأکید دارند. تطبیق یافته‌ها با این متون نشان می‌دهد که هر جا کتاب و فرهنگ مطالعه در جامعه تقویت شده، مسیر هدایت، رشد فکری و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی نیز تقویت گردیده است و هر جا کتاب‌خوانی تضعیف شده، بی‌بصیرتی، انحراف و آسیب‌های اجتماعی افزایش یافته است. تحلیل تاریخی ارائه‌شده در فایل پژوهش نیز نشان می‌دهد که سلطه حکومت‌های غیرعلمی در دو قرن اخیر و سیاست‌های فرهنگی دوران پهلوی، موجب کاهش فرهنگ کتاب‌خوانی در ایران و بروز پیامدهای جدی در سطح آگاهی عمومی شده است؛ وضعیتی که آثار آن تا امروز نیز مشهود است. براساس یافته‌های پژوهش، کتاب در آموزه‌های اسلامی سه نقش اساسی در ایجاد بصیرت دارد:

نقش معرفتی: فراهم‌سازی زمینه فهم، تحلیل، تعقل و شناخت صحیح واقعیت‌ها.

نقش تربیتی: تهذیب نفس، ایجاد تقوای عملی، رشد اخلاقی و آماده‌سازی قلب برای دریافت نور الهی.

نقش اجتماعی - فرهنگی: توانمندسازی فرد در مواجهه با فتنه‌ها، جریان‌های فکری آلوده و انحرافات اجتماعی.

نتایج نشان می‌دهد که راه‌های کسب بصیرت - همچون تدبّر در قرآن، انس با متون اصیل، عبرت‌گیری از تاریخ، همنشینی با اهل بصیرت و پرهیز از هواپرستی - همگی با محوریت کتاب معنا پیدا می‌کنند. به‌علاوه، بررسی راه‌های تقویت فرهنگ مطالعه نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های مطالعه، الگودهی فرهنگی، فراهم کردن دسترسی آسان به کتابخانه‌ها و تولید آثار جذاب می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء بصیرت فردی و جمعی داشته باشد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که نقش کتاب در پرورش بصیرت، نقشی جامع و چندبعدی است که از سطح معرفت فردی تا سطح امنیت فرهنگی و اجتماعی امتداد می‌یابد. در جهان امروز که بر موج رسانه‌ها، شتاب اطلاعات و جنگ روایت‌ها استوار است، بازگشت به کتاب و احیای فرهنگ مطالعه، ضرورتی قطعی برای حفظ هویت فرهنگی، تقویت قدرت تحلیل و جلوگیری از افتادن جامعه در دام‌های بی‌بصیرتی است. این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت فرهنگ کتاب‌خوانی، نه یک توصیه فرهنگی صرف، بلکه یک نیاز راهبردی برای تضمین هدایت، رشد و پایداری معنوی و اجتماعی جامعه اسلامی است.

### پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی

تغییر در آموزش دینی: در مراکز آموزشی (حوزه‌ها و دانشگاه‌ها)، تمرکز از حفظ مطالب به «تحلیل ساختار کتاب‌های مرجع» معطوف شود تا دانشجویان نحوه تولید بصیرت را از طریق مطالعه منظم بیاموزند. تولید مدل‌های کتابخوانی مبتنی بر بصیرت: باید کتبی تولید شوند که مستقیماً تأثیر مطالعه فصل‌های مختلف بر مراحل سه‌گانه بصیرت (درک، باور، عمل) را تبیین نمایند و شیوه‌های مطالعه عمیق را آموزش دهند. پژوهش‌های مقایسه‌ای: انجام پژوهش‌هایی در مورد تفاوت‌های پایدار در سطح «بصیرت اجتماعی» افرادی که روتین مطالعه کتاب‌های مرجع دارند در مقایسه با کسانی که فقط از منابع آن‌لاین بهره می‌برند.

## منابع

### الف) کتاب

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*. تهران: انتشارات کتابچی.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). *اللّهوف*. تهران: جهان.

امینی عاملی، محسن (۱۴۰۳.ق.). *اعیان الشیعه*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). *کتاب خواندن*. قم: انتشارات دارالمعرفه.

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹). *جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان*. تهران: امیرکبیر.

آملی، حیدر بن علی (۱۳۴۷). *جامع الاسرار و منبع الانوار*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). *تفسیر روایی برهان*. تهران: ناشر نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

بهمنیار، احمد، صاحب بن عباد (۱۳۴۴). *شرح احوال و آثار*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تهران: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.

جعفی، مفضل بن عمر (۱۳۸۵). *توحید المفضل، محقق/مصحح: مظفر، کاظم*. قم: انتشارات داوری.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *حکمت علوی*. تهران: نشر اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲). *وسائل الشیعه*، ج ۲۷. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۴۳.ق.). *شرح غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق و تصحیح: میر جلال‌الدین حسینی

ارموی. تهران: دانشگاه تهران.

دال، سوند (۱۳۷۲). *تاریخ کتاب، از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر*، ترجمه محمدعلی خاکساری. مشهد: انتشارات بنیاد

پژوهش‌های اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

سایت مقام معظم رهبری (www.khamenei.ir).

- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۶). *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲.ق.). *مجازات النبویه*. قم: ناشر مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۳. مشهد: نشر آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، نصیرالدین (۱۴۱۲.ق.). *الثاقب فی المناقب*، ج ۱. قم: نشر انصاریان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، ج ۲. قم: منشورات فقیه.
- عبدالحسین، مریم (۱۳۷۵). *آیین مطالعه و یادگیری*. تهران: انتشارات فرد.
- قزائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور قرائتی*. ج ۱۰. تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاشانی، محمد محسن (۱۳۸۸). *الوافی*. اصفهان، عطر عترت،
- کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۳). *سیر صافی*. تهران: نشر مکتبه الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی*، ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *اصول کافی*، ج ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۵). *بحار الانوار*، ج ۶۸. تهران: انتشارات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). *بحار الانوار*، ج ۱۰۴. تهران: انتشارات اسلامی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳.ق.). *بحار الانوار*. بیروت: نشر دار الحیات و تراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). *درم*، ج ۲. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *انسان و ایمان*، مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا،
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۲۰. تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از فضلاء (۱۳۷۸). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۸). *تدوین الحدیث عند الشیعه الامامیه*. تهران: نشر هستی نما.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۲.ق.). *مستدرک الوسایل*، ج ۲. قم: ناشر اسماعیلیان.

Manguel, A. (1996). *A History of Reading*. New York: Viking.

## ب) مقاله

۱. اعوانی، غلامرضا، حداد عادل، غلامعلی و مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۷۲). فرهنگ و تمدن اسلامی. نشریه نامه فرهنگ: ۱۲-۸۰-۵۹. تربیت اسلامی:
- پازکیان، اسدالله، صغیری، محمد و محمد طاهری، مهدی (۱۳۸۹). بصیرت دینی در اندیشه مطهری. نشریه بصیرت و تربیت اسلامی: ۸۰-۵۹.
- جواهری، حمید. (۱۳۸۶). نقش کتاب و کتابخانه در جامعه امروزی. پژوهش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی: ۹۳-۱۱۲.
- سادات موسوی، علی (۱۳۸۹). نقش کتاب و کتابخانه در توسعه فرهنگ. نشریه پژوهش‌نامه: ۱۴۹-۱۷۸.
- شاکر، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). بصیرت دینی و راه‌های کسب آن. حصون، (۲۲): ۸۲-۹۵.
- طاهری، مهدی محمد. (۱۳۸۹). بصیرت دینی در اندیشه مقام معظم رهبری. مطالعات معارف اسلامی: ۲۵-۴۱.
- هاشمی عمرانی، عمران. (۱۳۸۸). بصیرت دینی: عوامل و موانع. نشریه حصون، (۲۲): ۸۲-۹۵.

## An Analysis of the Book as a Source of Social Insight and Cultural Development in Islamic Teachings

Fatemeh Mohammadi\*<sup>1</sup>, Mehdi Dolati<sup>2</sup>

**Date Received:**

21 Oct 2025

**Date Accepted:**

27 Dec 2025

**Keywords:**

Book, Quran, Awareness, Insight (Basirat), Islamic Teachings

**Abstract**

The importance of the book as a cornerstone of culture and civilization is undeniable. In Islamic teachings, reading holds an elevated status, and religious sources place strong emphasis on the practice of study. Employing a descriptive analytical method, this research examines the book as a source of basīrah (insight) in Islam. The findings indicate that the book, in the Qur'an and in the conduct of the religious leaders, is regarded as an instrument of perfection, reflection, and divine guidance. God affirms this in verses 3-4 of Sūrat al 'Alaq: "Recite, and your Lord is the Most Generous, Who taught by the Pen." By nurturing the soul and strengthening rationality, the book provides the conditions necessary for attaining basīrah, understood as deep perception and heartfelt certainty. The main pathways to acquiring basīrah through the book include adherence to the Qur'an, following the Sunnah of the Prophet and the Imams, companionship with people of insight, taking lessons from history, and practical taqwā. The study demonstrates that the book, by removing intellectual and moral obstacles, enables the discernment of truth from falsehood and functions as a key to unveiling realities and achieving human perfection.

Keywords: Book, Quran, Awareness, Insight (Basīrah), Islamic Teachings

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hazrat Narjis (PBUH) Faculty, Vali-e- Asr (PBUH) University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.f.mohammadi@vru.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Education, Zahedan University of Medical Sciences, Sistan and Baluchestan, Iran.mehdi.dolati@yahoo.com